



زینب کبری(س)؛ آئینه دار امیرالمؤمنین(ع)/ زینب(س) کسی که نایب الحسین(ع) شد

در اهمیت جایگاه والای حضرت زینب(س) همین بس که ابن عباس با آن جلالت قدر و علو مرتبه در حدیث، خطبه طولانی و بلندی را که حضرت فاطمه زهرا(س) در دفاع از حق امیرالمؤمنین(ع) در حضور اصحاب پیغمبر اکرم(ص) ایراد فرمودند، از زینب کبری(س) روایت نمود.

در اهمیت جایگاه والای حضرت زینب(س) همین بس که ابن عباس با آن جلالت قدر و علو مرتبه در حدیث، خطبه طولانی و بلندی را که حضرت فاطمه زهرا(س) در دفاع از حق امیرالمؤمنین(ع) در حضور اصحاب پیغمبر اکرم(ص) ایراد فرمودند، از زینب کبری(س) روایت نمود.

بر طبق نگارش برخی از محققان ولادت حضرت زینب(س) پنجم ماه جمادی الأولى سال پنجم یا ششم هجری و در مدینه منوره است. نقل شده، هنگام تولد حضرت زینب (س)، بیت نبوی (ص) انتظار تولد آن حضرت را می کشیدند و وقتی آن جناب به دنیا آمد این مژده و بشارت پخش شد که حضرت زهرا (س)، دختر به دنیا آورده است، حضرت زهرا (س) دارای چهار فرزند پسر و دختر است که عبارتند از: حضرت امام حسن (ع) (فرزند اول) و امام حسین (ع) (فرزند دوم) و زینب کبری (س) (فرزند سوم) و زینب صغری (س) که کنیه اش ام کلثوم است (فرزند چهارم) و همچنین محسن (ع) فرزند پنجمی که در حادثه هجوم بر در خانه حضرت زهرا (س) از دنیا رفت.

نام، کنیه و القاب حضرت زینب (س)

هنگامی که آن حضرت، متولد شد، مادرش حضرت زهرا (س) او را نزد پدرش امیرالمؤمنین (ع) آورده گفت: این نوزاد را نام گذاری کنید، ولی حضرت فرمود: من از رسول خدا (ص) در این کار پیشی نمی گیرم. در این ایام، حضرت رسول (ص) در مسافرت بودند. پس از مراجعت از سفر، امیرالمؤمنین (ع) به حضرت عرض کرد: نامی برای این نوزاد انتخاب کنید، رسول خدا (ص) فرمود: من بر پروردگارم، در این امر، سبقت نمی گیرم. در این هنگام جبرئیل (ع) فرود آمده، سلام خداوند بزرگ را به پیامبر ابلاغ کرده و گفت: نام این نوزاد را «زینب» بگذارید! خداوند این نام را برای او برگزیده است، آنگاه مصایب و مشکلاتی را که بر آن حضرت وارد خواهد شد، بازگو کرد. پیامبر اکرم (ص) گریست همان طور که هنگام ولادت امام حسین (ع) گریست، و فرمود: «هر که بر مصیبت های این دختر بگرید مانند آن است که بر دو برادرش؛ یعنی حسن و حسین (ع) گریسته باشد». و حضرت توصیه فرمودند که این طفل را همواره گرمی بدارید؛ چون او شبیه جده اش خدیجه کبری(س) است. یعنی همان گونه که حضرت خدیجه (س) در آغاز بعثت با شجاعت و فداکاری متحمل زحمات زیادی شد تا نهال نورسته اسلام حفظ و بارور شود، حضرت زینب(س) نیز با صبر و ایثار و تحمل سخت ترین فشارها از به خطر افتادن اساس اسلام جلوگیری به عمل می آورند.

زینب کبری تا حدود پنج یا شش سالگی، تحت اشراف شخص پیامبر اکرم (ص) و در آغوش مادر بزرگوارش حضرت زهرا(س) پرورش یافت و از این پس، مسؤولیت تربیت و پرورش او به عهده علی (ع) گذارده شد. تا اینکه در سال 17 هجری به همسری پسرعمویش، عبدالله بن جعفر درآمد. سالها بعد زمانی که مردم با امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب(ع) بیعت کردند، حضرت برای یاری پدر از مدینه به کوفه رفت و در مدت پنج سال دوران سخت حکومت علی(ع)، همواره یار و تسکین بخش غم های پدر بود و زنان کوفه را آموزش می داد.

چون علی (ع) در محراب عبادت با شمشیر ابن ملجم مرادی ملعون ضربت خورد، پرستاری آن حضرت را برعهده گرفت و به دنبال شهادت امیرالمؤمنین (ع) و هنگام نوبت امامت برادر بزرگش امام حسن(ع) در کنار برادر قرار گرفت و آن گاه که امام حسن(ع) از کوفه به مدینه برگشت، به همراه ایشان به مدینه آمد. وقتی که در سال 50 هجری معاویه حضرت امام حسن(ع) را مسموم کرد باز غمخواری و پرستاری برادر با زینب بود و پس از شهادت امام حسن(ع) در خدمت امام حسین(ع) بود و زمانی که در سال 60 هجری امام حسین(ع) عازم مکه شد، به همراه آن حضرت از مدینه خارج گردید و از آن لحظه به بعد تا روز عاشورا در خدمت به قیام اباعبدالله(ع) تلاش می کرد و لحظه ای از آن حضرت جدا نگردید. نقل می کنند در جریان حرکت به سوی عراق ابن عباس به امام حسین(ع) گفت اگر ناگزیر باید به این سفر بروید، حداقل این زنان و بچه ها را با خود نبرید. در این لحظه، حضرت زینب(س) خطاب به ابن عباس فرمود: ... سوگند به خدا از حسین جدا نخواهم شد، همراه او خواهم بود با او زندگی کرده و با او می میرم.

کنیه حضرت زینب (س) ام کلثوم و ام الحسن است. اما حضرت زینب (س)، القاب زیادی دارند که در ذیل به بعضی از آنها به همراه معانی شان اشاره می شود:

۱- عالمة غیر معلمة: دانای بی آموزگار.

۲- فهمة غير مفهومة: فهمیده بدون فهماننده.

۳- كعبة الزّايا: قبله رنج ها.

۴- نائبة الزهراء (س): جانشین و نماینده حضرت زهرا (س).

۵- نائبة الحسين (ع): جانشین و نماینده حضرت حسین (ع).

۶- عقيلة بنی هاشم: بانوی خردمند بنی هاشم، عقيلة النساء: خردمند بانوان، عقيلة خدر الرسالة: خردمند پرده‌نشینان رسالت، عقيلة الطالبیین: زن خردمند از خاندان حضرت ابو طالب (و در بین طالبیان)، عقيلة الوحی: بانوی خردمند وحی، عقيلة النبوة: بانوی خردمند پیامبری، عقيلة القریش: بانوی خردمند از قریش، سيدة العقائل: بانوی زنان خردمند.

۸- عديلة الخامس من اهل الكساء: همتای پنجمین نفر از اهل کساء (امام حسین) (ع).

۹- كفيلة السجّاد: سرپرست حضرت سجّاد (ع).

۱۰- سرّ أبيها: راز پدرش علی (ع).

۱۱- الصديقه الصغرى: صديقه کوچک تر. به این لقب ملقب شده تا با مادرش صديقه کبری فاطمه زهرا (س)، اشتباه نشود. چه این که به ایشان زینب کبری گفته می شود تا میان او و دیگر خواهرش (ام کلثوم) که به نام و کنیه او خوانده می شود، فرق باشد.

۱۲- عابدة آل علی: پارسای خاندان علی (ع).

۱۳- بطلة كربلاء: قهرمان کربلا.

۱۴- عظيمة بلواها: بانویی که امتحانش بس بزرگ بود.

۱۵- الباكیة: بانوی گریان.

۱۶- سلیلة الزهراء: چکیده و خلاصه حضرت زهرا.

۱۷- امينة الله: امانت‌دار الاهی.

۱۸- آية من آیات الله: نشانی از نشانه‌های خداوند.

۱۹- مظلومة وحيدة: ستم‌دیده تنها.

۲۰- صابرة محتسبة: پایداری‌کننده به حساب خداوند و برای خداوند.

همسر و فرزندان حضرت زینب (س)

همسر زینب کبری (س)، عبد الله بن جعفر (پسر جعفر طیّار) است. وی، نخستین نوزاد مسلمان در حبشه بود. در ایّامی که پدرش «جعفر بن ابی طالب» به حبشه هجرت کرده بود، در آن کشور به دنیا آمد. مادرش «اسماء بنت عمیس» بود. اسماء، پس از شهادت جعفر طیّار در جنگ موته، به همسری أبوبکر، سپس علی بن ابی طالب (ع) در آمد. عبد الله بن جعفر، مورد عنایت خاصّ پیامبر اکرم (ص) بود، به ویژه که پدرش سردار شهید جبهه اسلام به شمار می آمد. همچنین مورد علاقه امیرالمؤمنین (ع) بود و ارادتی شایان به امام حسن و امام حسین (ع) داشت و مردی سخاوتمند و اهل جود و بخشش بود.

جناب عبد الله بن جعفر، پسرعموی حضرت زینب (س) است و امیرالمؤمنین (ع) با موافقت این ازدواج، به این سفارش رسول خدا (ص) عمل نمود که روزی آن حضرت نگاه مبارکش به فرزندان علی و جعفر (ع) افتاد و فرمود: «دختران ما از آن پسران ما هستند و پسران ما به دختران ما اختصاص دارند».

نقل شده که حضرت زینب (س) در هنگام ازدواج با عبدالله، 11 ساله بوده است و فرزندان آن حضرت، چهار پسر و یک دختر بوده اند به نامهای: علی، عون، ألاکبر، محمد، عباس و ام کلثوم. از بین این فرزندان، عون و محمد در کربلا حضور داشته و در رکاب حضرت سید الشهدا (ع) به شهادت رسیدند.

فضایل حضرت زینب(س)

حضرت زینب(س) چهره ای نورانی همچون ماه داشت. پیامبر (ص) در هنگام تولد او فرموده بود به همه حاضرین و غائبین اتم بگویند که این دختر را محترم بدارند که نمونه و نماینده خدیجه کبری (س) است. حضرت سجاد (ع) در وصف عمه اش زینب کبری(س) فرمود: «انت بحمدالله عالمة غیر معلّمة، فهمة غیر مفهمة؛ عمه جان! به حمدالله، دانش تو، دانشی الهی است و فهمی که در قلب شریف تو وجود دارد از منبع فیض الهی است». ایشان به مدت پنج سال، وجود مبارک پیامبر اکرم (ص) و فاطمه زهرا(س) را درک نمودند و این پنج سال، فرصتی بود که از نور وجود این دو دردانه زمان، بهره گیرد، در دامن پر مهر و عطوفت آنان رشد نماید، از جرعه های معرفت سیراب شود و حدیث صبر و استقامت در دفتر وجودش بنگارد.

همراهی در سفر کربلا

هنگام حرکت به سوی کربلا، همراه برادر عازم این سفر پر بلا شد تا برادرش را در انجام امر الهی با صبر و استقامت یاری کند. حضرت ابا عبدالله الحسین (ع)، در واپسین لحظات عمر شریف خود سفارشات به خواهر نمود و رسالت تبلیغ واقعه کربلا را بر دوش ایشان گذارد و زینب کبری (س) هم در انجام رسالت خویش زره ای کوتاهی نکرد و هرچه در توان داشت به کار برد تا اسلام زنده بماند.

مهمترین خدمت حضرت زینب (س)، پس از شهادت امام حسین (ع) هدایت و رهبری، حفاظت و مراقبت از اسراء، دلداری دادن به بازماندگان شهدا و نیز حفاظت از جان امام سجاد(ع) و رساندن پیام عاشورا و شهداء کربلاء به گوش جهانیان بود. او با خطبه های خود توانست از اسلام و حیثیت آن دفاع کند و پاسخگوی یاهو سربانی های یزید و یارانش باشد. ایجاد تحول و انقلاب در کوفه و شام و بسیاری از کارها که حضرت زینب کبری (س) در جریان اسارت انجام داد، تنها بخشی از خدمات آن مخدّره در قیام عاشوراء بود، اگر زینب کبری (س) آن خدمات ارزنده را به اسلام ارائه نمی داد، نهضت عاشورا، راهبری پس از شهادت سیدالشهداء نمی داشت، اسرا و خصوصاً اطفال، جانشان در خطر قرار می گرفت و امام سجاد(ع) که جانشین امامت بعد از امام حسین (ع) بود از خطر مرگ حفظ نمی شد و پیام کربلاء به شهرهای دیگر ابلاغ نمی گردید و در نتیجه نهضت عاشورا، پایان پیروزمندانه ای نمی داشت.

وفات حضرت زینب (س)

زینب (س)، بانوی مهربان و صبوری که در تمام سال های عمرش، در کوچه پس کوچه های اندوه و مصیبت و فداکاری و عشق دویده بود، پس از عاشورا، پس از رفتن آخرین دل خوشی و آخرین امیدش حسین (ع)، دیگر تاب تحمل دنیا را نداشت و با کوله باری از غم و محنت و فراق و رضایت و تسلیم، رحلت فرمود. در تاریخ وفات حضرت زینب (س) همانند تاریخ ولادت وی، اختلاف نظر وجود دارد. از عیبدلی که از نسب شناسان مشهور است، در «اخبار الزینبیات» پس از ذکر داستان تبعید آن حضرت از مدینه به دستور یزید، نقل شده که آن حضرت، مصر را انتخاب کرده، در شامگاه روز یکشنبه پانزدهم ماه رجب سال ۶۲ هجری در آن جا دیده از جهان فرو بست و در خانه مسلمة بن مخلد انصاری، والی آنجا، دفن شد. قول دیگر آن است که آن حضرت در نیمه رجب سال ۶۵ هجری در دمشق رحلت فرموده است. سنّ آن حضرت هنگام ارتحال، ۵۵ یا ۵۸ ساله ذکر شده است.

مرقد حضرت زینب (س)

درباره اینکه حضرت زینب (س) در چه مکانی از دنیا رفته و مدفون شده، سه احتمال وجود دارد: قاهره، شام و مدینه.

عمده سیره نویسان مرقد آن بانوی بزرگ را «قاهره» و «شام» گفته اند. کسانی که مرقد آن حضرت را در مصر دانسته اند، چنین گزارش داده اند که بعد از مراجعت کاروان باقی مانده واقعه کربلا از شام به مدینه، جوّ عمومی مدینه نا آرام شد. حاکم مدینه نامه ای برای یزید نوشت و وضع پیش آمده در مدینه و نقش حضرت زینب (س) در بیداری و مقاومت مردم را برای یزید توضیح داد. یزید در پاسخ نوشت که زینب را از مدینه اخراج کند. حاکم مدینه اصرار داشت که زینب (س) از مدینه خارج شود. سرانجام حضرت (س) از مدینه به مصر مهاجرت نمود و مورد استقبال حاکم مصر وعده زیادی از اهالی مصر قرار گرفت. حضرت زینب (س) بعد از گذشت حدود یک سال، در قاهره رحلت نمود.

اما آنان که گفته اند: مقبره حضرت زینب (س) در شام است، ضمن نقل این داستان که حاکم مدینه در پی اخراج و تبعید حضرت زینب(س) بر آمد، به نقل دیگری پرداختند و آن این است: موقعی که واقعه حرّه و غارت و کشتار مردم مدینه در سال ۶۲ هجری توسط یزیدیان رخ داد، عبدالله بن جعفر برای اینکه ناراحتی همسرش زینب (س) تجدید نشود و قدری از غم و اندوه او کاسته شود، و برای در امان ماندن از مرض وبا و طاعون که در مدینه شایع شده بود، به همراه همسرش زینب (س) به سوی

مزرعه ای در شام رفتند و در آنجا اقامت گزیدند تا اینکه حضرت زینب (س) مریض شد و در آن دیار از دنیا رفت. پس از زینب کبری (س)، ام کلثوم دختر دیگر حضرت علی (ع) و فاطمه زهرا (س) که نام او زینب صغری بود، مشهور به زینب کبری شد و به مصر رفت.

فضایل و اوصاف زینب (س)

حضرت زینب (س) به اعتراف همه تاریخ نویسان، آراسته به همه فضایل و خصلت‌های والای اخلاقی و الهی بودند و در سایه این کمالات به مرتبه ای از منزلت انسانی دست یافتند که شایستگی محرم راز الهی و امین ودایع امامت و ولایت بودن را حداقل در بخشی از عمر شریفشان به خود اختصاص دادند. حضرت این کمالات را به برکت عنایات خاص الهی و پاکی سرشت و نحوه تربیت و پرورش در دامن پیامبر (ص) و فاطمه (س) و امیرالمؤمنین (ع) و تلاش‌هایی که در راستای کسب سجایای اخلاقی و به جای آوردن عبادات و فرامین الهی انجام داده بود، به دست آورد، همچنان که القاب بلندی که برای ایشان ذکر شده به گوشه ای از عظمت شخصیت این بزرگ بانوی اسلام دلالت دارند.

صاحب کتاب «اساور من ذهب» درباره حافظه و ذکاوت آن بانوی بزرگوار چنین می نویسد: در اهمیت هوش و ذکاوت آن بانوی بزرگوار همین بس که خطبه طولانی و بلندی را که حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا (س) در دفاع از حق امیرالمؤمنین (ع) و غصب فدک در حضور اصحاب پیغمبر اکرم (ص) ایراد فرمودند، حضرت زینب (س) روایت فرموده است. و ابن عباس با آن جلالت قدر و علو مرتبه در حدیث و علم، از آن حضرت روایت نموده و از آن حضرت به عقیده تعبیر می کند. چنانچه ابوالفرج اصفهانی در مقاتل می نویسد: ابن عباس خطبه حضرت فاطمه (س) را از حضرت زینب (س) روایت کرده و می گوید: حدثنی عقيلتنا زينب بنت علي عليه سلام...»

فصاحت و بلاغت

کلمات و فرمایشات گهربار آن حضرت در خطبه هایی که از آن حضرت روایت شده خود قوی ترین دلیل بر کمال فصاحت و بلاغت آن بانوی بزرگوار می باشد. همان بانویی که امام سجاد (ع) در حق ایشان فرمودند: «أنتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلِّمَةٍ وَ فَهْمَةٌ غَيْرُ مُفْهَمَةٍ» یعنی: «ای عمه! شما الحمد لله بانوی دانشمندی هستید که تعلیم ندیده، و بانوی فهمیده‌ای هستی که بشری تو را تفهیم ننموده است».

در اینجا مروری کوتاه به قسمتی از خطبه آن حضرت در مجلس یزید که یکی از بزرگترین حرکت‌های آن حضرت، در واقعه کربلا بود که دستگاه حکومت بنی امیه را به شدت لرزاند می کنیم:

«به خدا قسم ای یزید، هر چه کردی بازگشت آن به سوی خودت خواهد بود، چرا که تو جز پوست خود نشکافتی و جز گوشت خود ندریدی. ای یزید! در آن روزی که خداوند بدنهای پاک شهیدانمان را حاضر می کند تا حقوق خود را از ستمگر بستانند، تو بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد خواهی شد، اما می دانی در چه حالی؟ در حالیکه خون عزیزان او را ریخته و حرمت ذریه او را از بین برده ای. آری ای یزید! از این پیروزی ظاهری که به دست آورده ای، غرق شادی مشو، و آن عزیزان را که در کربلا به خاک و خون کشیده ای، مغلوب و مرده مپندار. که خداوند می فرماید: (کسانی را که در راه خدا شهید شده اند مرده مپندارید. بلکه آنان زنده اند و در نزد خدای خود روزی می خورند)

و ای یزید! برای تو همین بس که حاکم در آن روز خداوند، و دشمن تو پیامبر خدا، و یاور و پشتیبان اهل بیت جبرئیل باشد. و به زودی کسی که این مقام را برای تو زینت داده و تو را بر گردن مسلمین سوار کرده است (یعنی معاویه)، خواهد دانست که چه جانشین بدی برای خود تعیین کرده و در روز جزا درخواهید یافت که بدترین مکان از آن کیست؟ و بدبختی و ضعف و زبونی شامل چه افرادی خواهد شد.

علم و معرفت حضرت زینب (س)

حضرت زینب کبری (س)، علم خود را از طریق غیب و الهام و از طریق جد بزرگوارش، پدر ارجمند، مادر گرامی و برادران عزیزش (ع) دارد، که متصل به وحی هستند.

درباره مقام علمی آن حضرت گفته شده: «زینب (س) در شهر علم پیامبر (ص) رشد یافته سپس در دامن دروازه علم آن حضرت -امیر المؤمنین علی (ع)- بزرگ شده، از سینه مادرش حضرت زهرا (س) شیر مکیده و تغذیه کرده است و عمری را با دو امام بزرگوار که نواده رسول خدا هستند، به سر برده و آنان شهد علم را به کام او ریخته و به او چشانیده اند. او گنجینه علوم آل محمد (ع) و نمونه فضایل آنان است».

حضرت زینب (س) از جمله راویان حدیث می باشد. ایشان از مادر، پدر، برادرانش، امّ سلمه، امّ هانی و دیگر زنان روایت می کرد و از جمله کسانی که از او روایت کرده اند، ابن عباس، علی بن الحسین (امام سجاد) (ع)، عبد الله بن جعفر، فاطمه صغری دختر امام حسین (ع) و دیگران هستند.

شیخ طبرسی (ره) می گوید: حضرت زینب (س) روایات بسیاری را از قول مادرش حضرت زهرا (س) روایت کرده است.

از سخنان حضرت زینب (س) در طول مسافرت کربلا، کوفه و شام و خطبه‌ها و سخنرانی‌هایی که در فرصت‌های مختلف در برابر ستم‌کاران و طاغوتیان آن زمان و مردم دیگر ایراد فرمود، به خوبی معلوم می‌شود که مراتب علم و دانش و کمال آن بانوی بزرگوار از راه تحصیل و تعلیم اکتسابی نبوده و بهره‌ای الهی و جنبه خارق‌العاده داشته است. شاهد این مطلب، کلام امام سجاد (ع) است که پس از خطبه کوفه به او فرمود: «عمه جان آرام باش و سکوت اختیار کن که تو بحمد الله دانشمندی بدون آموزگار، و فهمیده ای بدون فهماننده هستی».

از فاضل دربندی در ضمن بیان این فرمایش حضرت سجاد (ع) نقل شده که این سخن، خود دلیل و حجت بر آن است که زینب دختر حضرت امیر المؤمنین (ع) «محدثه» بوده؛ یعنی به او الهام می شده و علم او از علوم لدنی و آثار باطنی می باشد.

علامه فاضل، سید نور الدین جزائری در کتاب خود می نویسد: در دوران حکومت حضرت علی (ع)، حضرت زینب (س) مجلس درسی در خانه خود ترتیب داده بود و برای زنان، قرآن، تفسیر می کرد. روزی تفسیر آیه شریفه «کهیعص» را بیان می کرد که حضرت علی (ع) وارد شد و به او فرمود: نور چشمم! شنیدم آیه شریفه «کهیعص» را تفسیر می کردی؟ گفت: آری. فرمود: «این رمزی است برای مصیبتی که بر شما خاندان پیامبر (ص) وارد می شود. بعد حضرت مصائب را تشریح فرمود و زینب (س) با صدای بلند گریه کرد».

در فضل و معرفت آن حضرت همین بس که حضرت صادق (ع) به رفتار و کردار او در واقعه عاشورا استدلال کرده است، چنان که در کتاب «جواهر الکلام» مرحوم نجفی، در جواز و عدم جواز دریدن جامه در مرگ پدر و برادر از حضرت صادق (ع) روایت شده که فرمود: در عزای حسین بن علی (ع) زنان فاطمی گریبان دریده بر خود سیلی زدند که بر کسی همچون حسین بن علی (ع) بر صورت‌ها نواختن و گریبان‌ها چاک زدن جا دارد. صاحب جواهر در ذیل این حدیث می گوید: مسلم است که در آن میان دختران و خواهران حضرت (و از جمله زینب) (س) نیز بوده اند.

در فضل حضرت زینب (س) همین بس که پس از حادثه عاشورا نیابت خاصی از طرف امام حسین (ع) داشت و مردم در مسائل حلال و حرام به او مراجعه کرده و از او می پرسیدند، تا اینکه حضرت سجاد (ع) از آن بیماری که به مصلحت الهی به آن مبتلا شده بود بهبودی یافت.

عبادت حضرت زینب (س)

قرآن کریم هدف از آفرینش و خلقت انسان را عبودیت و رسیدن به کمال بندگی معرفی می کند: «من جن و انس را نیافریدم جز برای این که عبادت کنند».

زینب (س) این درس را به خوبی از قرآن آموخته بود. او عبادت‌ها و نماز شب‌های پدر و مادر بزرگوارش را از نزدیک دیده بود. او در کربلا شاهد بود که برادرش امام حسین (ع) در عصر تاسوعا به حضرت ابوالفضل (ع) فرمود: «به سوی آنان باز گرد و این شب (شب عاشورا) را تا فردا مهلت بگیر، شاید بتوانیم امشب را به نماز و دعا و استغفار در پیشگاه خدایمان مشغول شویم. خدا خود می داند که من نماز، قرائت قرآن، زیاد دعا کردن و استغفار را دوست دارم».

حضرت زینب (س) نیز از عاشقان عبادت و شب زنده داران عاشق بود، و هیچ مصیبتی او را از عبادت باز نداشت. از امام سجاد (ع) نقل شده است: «عمه‌ام زینب در مسیر اسارت از کوفه به شام همه فرائض و نوافل خود را به جای می‌آورد و غفلت نداشت. فقط در یکی از منازل به خاطر شدت ضعف و گرسنگی، نشسته نماز خواند که بعد معلوم شد، سه روز است غذا میل نکرده است؛ زیرا به هر اسیر، شبانه روز، یک گرده نان می‌دادند و عمه‌ام سهمیه خود را بیشتر اوقات به بچه‌ها می‌داد».

عبادت زینب (ع) آنچنان در اوج است که امام حسین (ع) که خود معصوم و واسطه فیض الهی است، هنگام وداع به خواهر عابده اش می فرماید: «خواهرم، در نماز شبت مرا فراموش نکن». این نشان از آن دارد که این خواهر، به قله رفیع بندگی و پرستش راه یافته و به حکمت و هدف آفرینش دست یازیده است.

فاطمه دختر امام حسین (ع) می گوید: «عمه ام زینب (س) در آن شب (شب عاشورا)، در محراب عبادتش ایستاده دعا می

خواند و به خدا استغاثه می کرد، آن شب دیدگان هیچ یک از ما به خواب نرفت و آه و ناله ما فرو ننشست».

عفت و حجاب حضرت زینب (س)

عفت و پاکدامنی، برانده ترین زینت زنان، و گران بها ترین گوهر برای آنان است. زینب (س) درس عفت را به خوبی در مکتب پدر آموخت، پدری که فرمود: «پاداش مجاهد شهید در راه خدا، از پاداش عفیف پاکدامنی که قدرت بر گناه دارد و آلوده نمی گردد، بزرگ تر نیست. عفیف پاکدامن، فرشته ای از فرشته ها است».

یحیی مازنی روایت کرده است: مدّت ها در مدینه در خدمت حضرت علی (ع) به سر بردم و خانه ام نزدیک خانه زینب دختر امیر المؤمنین (ع) بود، به خدا سوگند هیچ گاه چشمم به او نیفتاد و صدایی از او به گوشم نرسید. به هنگامی که می خواست به زیارت جدّ بزرگوارش رسول خدا (ص) برود، شبانه از خانه بیرون می رفت، در حالی که حسن (ع) در سمت راست او و حسین (ع) در سمت چپ او و امیر المؤمنین (ع) پیش رویش راه می رفتند. هنگامی که به قبر شریف رسول خدا (ص) نزدیک می شد، حضرت علی (ع) جلو می رفت و نور چراغ را کم می کرد. یک بار امام حسن (ع) از پدر بزرگوارش درباره این کار سؤال کرد، حضرت فرمود: می ترسم کسی به خواهرت زینب (س) نگاه کند.

زینب کبری (س) عفت و حجاب خویش را حتی در سخت ترین شرایط به نمایش گذاشت. او در دوران اسارت و در حرکت از کربلا تا شام، سخت بر این مسئله پای می فشرد. مورخین نوشته اند: «او صورت خود را با آستینش می پوشاند؛ چون روبنده اش از او گرفته شده بود».

شاعر عرب به همین قضیه اشاره کرده و می گوید: «زینب تمامی آنچه بر مادر گذشت را به ارث برد، منتهی دختر سهم اضافه ای برداشت که از خانه اش به بدترین خانه حرکت کرد (به اسارت رفت). صورت را (در اسارت) با دست راست می پوشاند و اگر پوشش او را نیازمند می کرد، از دست چپ هم بهره می برد».

آن بانوی بزرگوار برای پاسداری از مرزهای حیا و عفاف بر سر یزید فریاد برآورد که «ای پسر آزاد شده های جدمان پیامبر اسلام (ص)، آیا این از عدالت است که زنان و کنیزکان خویش را پشت پرده نشانی، و دختران رسول خدا (ص) را به صورت اسیر به این سو و آن سو بکشانی؟ نقاب آنان را دریدی و صورت های آنان را آشکار ساختی».

حضرت زینب (س) در کلام معصومان (ع)

یکی از بهترین راه ها برای شناخت سیمای تابناک حضرت زینب (س) شناخت ایشان در آیینه کلام معصومان (ع) است. در ذیل به بعضی از فرمایشات آنان درباره آن بانوی ملکوتی اشاره می شود:

رسول خدا (ص) فرمود: زینب با هزار سختی به انواع بلاها گرفتار خواهد شد.

در روایتی آمده است که شخصی از امام صادق (ع) سؤال کرد: آیا پیامبر (ص) چنین فرموده است: همانا فاطمه پاکدامن است پس خداوند ذریه او را بر آتش جهنم حرام کرده است؟ حضرت در پاسخ می فرماید: بلی مقصود پیامبر (ص)، حسن و حسین و زینب و ام کلثوم (ع) بوده است.

حضرت زهرا (س) فرمود: محبت دخترم زینب به حسین بی نهایت است، که بی دیدار حسین آرام نمی گیرد. اگر بوی حسین را نشنود، قالب تهی می کند.

امام صادق (ع) فرمود: اگر کسی بر مصیبت عمّه ام زینب (س) که با برادر شریک بود گریه کند و تشکیل مجالس ذکر ما بدهد یا بشنود و گریان شود، اگر به قدر بال مگس چشمش در این مصیبت تر شود خداوند او را بیامرزد، این است ثواب و اجر گریه کنندگان بر مصیبت حضرت زینب (س).